

تحلیل مؤلفه‌های اصول اخلاق حرفه‌ای مدیران در حوزه

مدیریت منابع انسانی

دکتر مهدی صانعی*، مریم یاری

گروه مدیریت، دانشکده مدیریت و حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی، شاهرود

(تاریخ دریافت: ۹۲/۱/۱۸، تاریخ پذیرش: ۹۲/۶/۱۶)

چکیده

زمینه: در سال‌های اخیر، کاربرد اخلاق در محیط‌های کار به یک ضرورت جدی تبدیل شده است. اخلاق کار، اخلاق حرفه‌ای و کدهای اخلاقی مفاهیمی است که در گستره دانش مدیریت مطرح شده است. هدف پژوهش حاضر؛ شناسایی اصول اخلاق حرفه‌ای حاکم بر کار مدیران در حوزه مدیریت منابع انسانی است.

روش: روش پژوهش حاضر توصیفی از نوع پیمایشی (میدانی) است. جامعه آماری شامل؛ مدیران منابع انسانی شاغل در موسسه‌های دولتی و خصوصی، مدرسان رشته مدیریت دولتی، گرایش مدیریت نیروی انسانی در مقاطع ارشد و دکتری و فارغ التحصیلان مقطع دکتری در این رشته بود. که از میان آنها، با استفاده از نمونه‌گیری معرف، ۷۰ نفر به‌عنوان گروه نمونه انتخاب شدند. ابزار جمع‌آوری داده‌ها پرسشنامه پژوهشگر ساخته بود. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از تحلیل عاملی اکتشافی، آزمون فریدمن، آزمون تی استفاده شد.

یافته‌ها: پس از تحلیل داده‌ها، ۱۶ مؤلفه به‌عنوان مؤلفه‌های اخلاق حرفه‌ای مدیران شناسایی شدند. مهم‌ترین این مؤلفه‌ها عبارتند از: ۱- رعایت صداقت و تعهد در اطلاع‌رسانی درست به متقاضیان استخدام. ۲- جبران خدمات کارکنان با شرط رعایت عدالت و داشتن تعهد نسبت به آنها. ۳- رعایت عدالت در ارتقاء کارکنان. ۴- رعایت قاطعیت و صداقت در انتقال اطلاعات مربوط به عملکرد کارکنان. ۵- انجام تعهد در جهت کاهش آسیب‌های شغلی و ...

نتیجه‌گیری: رعایت اخلاق نقش مهمی در موفقیت مدیران ایفا می‌نماید به گونه‌ای که اصول رایج شناخته شده در حوزه اخلاق حرفه‌ای، در وظایف مختلف مدیران در قبال منابع انسانی سازمان نمود پررنگی می‌یابد.

کلیدواژه‌گان: اخلاق، اخلاق حرفه‌ای، مدیریت منابع انسانی

سراغاز

در سال‌های اخیر، کاربرد اخلاق در محیط‌های کار به یک ضرورت جدی تبدیل شده است. اخلاق کار، اخلاق حرفه‌ای، کدهای اخلاقی و مرام نامه‌های اخلاقی مفاهیمی است که در

گستره دانش مدیریت مطرح شده است (۱). پیچیده تر شدن روز افزون سازمان‌ها و افزایش میزان کارهای غیراخلاقی، غیرقانونی و غیرمسئولانه در محیط‌های کاری توجه مدیران و صاحب‌نظران را به بحث اخلاق کار و مدیریت اخلاق معطوف ساخته است (۲).

عمق جان و روح فرد یافته است که آن ریشه را خلق و اخلاق می‌نامند (۷).

یکی از صاحب‌نظران معتقد است که اخلاقیات موضوعی نگرشی است که مواردی همچون: گذاشتن هر فعالیت و هدف در جای خودش، دانستن اینکه چه کاری درست و چه کاری نادرست است، دانستن اینکه چه خواسته‌ای درست و چه تمایل‌هایی اشتباه می‌باشد، را شامل می‌شود. و صاحب‌نظر دیگری نیز اخلاق را این‌گونه تعریف می‌کند: فعالیت بررسی استانداردهای معنوی و وجدانی یک فرد یا یک جامعه و پرسش درخصوص اینکه این استانداردها (استانداردهای منطقی و یا غیر منطقی) چطور در زندگی ما بکار برده می‌شود (۳).

پژوهشگری در این زمینه یکی از کامل‌ترین دسته‌بندی‌ها را از نظریه‌های اخلاق ارائه می‌کند. از دید او ۵ سیستم وجود دارد که به طور مستقیم به تصمیم‌های مدیریتی مربوط می‌شود: قانون جاویدان^۲، نظریه منفعت‌گرایی^۴، نظریه وظیفه‌گرایی^۵، عدالت توزیعی^۶ و آزادی فردی^۷ (۸). همچنین پژوهشگران این رشته با طراحی ابزاری تحت عنوان پرسشنامه جو اخلاقی، شش نوع فرهنگ و جو اخلاقی مختلف را مورد شناسایی قرار دادند. فرهنگ اخلاقی حرفه‌ای، فرهنگ اخلاقی مراقبتی، فرهنگ اخلاق مقرراتی، فرهنگ اخلاقی ابزاری، فرهنگ اخلاقی کارآیی مدار، فرهنگ اخلاقی مستقل (۳). صاحب‌نظر دیگری نیز به چهار اصل اخلاقی احترام به خودمختاری فرد، نیکوکاری، صدمه نزدن به دیگران و عدالت اشاره دارد (۴). اصول اخلاقی از نظر پژوهشگری دیگر مبتنی بر طیفی از نظریه‌های اخلاقی است و شامل فداکاری و از خود گذشتگی، یکپارچگی، عینیت (بی‌طرفی)، پاسخگویی، آگاهی، صداقت و رهبری می‌باشد (۴).

تحلیل اخلاق حرفه‌ای^۸ محتاج تحلیل اخلاق و حرفه است. واژه حرفه^۹ کاربردهای فراوان دارد و مفهوم آن نیز از ریشه‌های تاریخی فراوانی سرچشمه می‌گیرد. عام‌ترین کاربرد حرفه به معنای پیشه، شغل، کسب و کار است. مفهوم حرفه از دیرباز متفاوت با کار^{۱۰} و حتی شغل^{۱۱} به کار می‌رود. کسب و کار معطوف به سود را حرفه نمی‌دانند، مانند: راهزنی (۶). اخلاق حرفه‌ای شاخه‌ای از اخلاق کاربردی است که به مباحث اخلاقی در حرفه می‌پردازد (۶). اخلاق حرفه‌ای مفهومی بسیار وسیع‌تر از

رعایت اخلاق حرفه‌ای توسط مدیران منابع انسانی در یک سازمان، امری ضروری محسوب می‌شود، چراکه آنها با اتخاذ تصمیم‌های منطقی و خردمندانه در حوزه‌های تخصصی خود از جمله در جذب و استخدام منابع انسانی، آموزش و توسعه، ارزیابی عملکرد و پاداش، سیستم حقوق و دستمزد، برنامه ریزی‌های توسعه و ارتقاء شغلی، مدیریت روابط کار، جبران خدمات، ترک خدمت، بازنشستگی و ... منافع بلندمدت سازمان را تضمین می‌کنند. شناسایی و آگاهی از مؤلفه‌های اخلاق حرفه‌ای برای حل مشکلات و موضوعات خاصی که مدیران منابع انسانی با آن مواجه می‌شوند مفید است و باعث بهبود باورها و رفتارهای اخلاقی آنها شده و راهنمایی‌های لازم را برای افراد حرفه‌ای در تعیین اقدام مناسب فراهم می‌نماید (۳).

واژه «اخلاق»^۱ نشأت گرفته از واژه یونانی اتیکوس به معنی اقتدار، رسوم و سنت^۲ می‌باشد. اصول اخلاقی راجع به چگونگی بودن افراد و این که در حرفه و سازمان متبوع خود چطور رفتار کنند، مطرح می‌شوند. بطور کلی، واژه اخلاق با استانداردهای مربوط به درست و غلط بودن رفتارها سروکار دارند (۳). اخلاق را می‌توان در قالب مجموعه‌ای از اصول تعریف کرد که در بیشتر موارد به صورت یک منشور یا سیستمی شناخته می‌شود که به عنوان راهنمای رفتار عمل می‌کند (۴). از دیدگاهی فراگیر، اصول اخلاقی را می‌توان در مقام مجموعه‌ای از اصول و ارزش‌های معنوی تعریف کرد. یکایک ما چنین مجموعه‌ای از ارزش‌ها را در خویشتن خویش داریم، با وجود این ممکن است نسبت به وجود آنها آگاه یا ناآگاه باشیم (۵). تنوع پذیری و تخصص‌گرایی یکی از مهمترین تفاوت‌های اخلاق فردی و اخلاق شغلی است. اخلاق در این مفهوم «شغل وابسته» است. برحسب تنوع مشاغل، به اخلاق‌های ویژه نیازمند هستیم. اخلاق پزشکان، اخلاق معلمان، اخلاق مدیران، اخلاق سرپرستان، اخلاق پژوهشگران و ... (۶). از دیدگاهی دیگر، اخلاق را مجموعه‌ای از صفات‌های روحی و باطنی انسان تعریف کرده‌اند که به صورت اعمال و رفتاری که از خلقیات درونی انسان ناشی می‌شود، بروز ظاهری پیدا می‌کند و بدین سبب گفته می‌شود که اخلاق را از طریق آثارش می‌توان تعریف کرد. استمرار یک نوع رفتار خاص، دلیل بر آن است که این رفتار یک ریشه درونی و باطنی در

اخلاق کسب و کار دارد. اخلاق می‌تواند در زندگی فردی - شخصی باشد و می‌تواند در زندگی فردی - شغلی باشد. اخلاق کار و یا اخلاق شغلی بخشی از اخلاق حرفه‌ای است. بخش بزرگی از اخلاق حرفه‌ای فراتر از زندگی فردی و شغلی با عملکرد اخلاقی سازمان‌ها سر و کار دارد. بنابراین، مفهوم اخلاق حرفه‌ای، اخلاق در زندگی فردی - شغلی و اخلاق سازمانی را نیز در بر می‌گیرد (۹).

یکی از پژوهشگران عوامل تأثیرگذار بر اخلاق حرفه‌ای را به سه جنبه تقسیم می‌کند:

۱. جنبه فردی: یعنی ویژگی‌ها و خصیت‌های فردی، ارزش‌های مذهبی، ملاک‌های شخصی، عوامل خانوادگی، باورها و اعتقادات و شخصیت از جمله عوامل تأثیرگذار بر اخلاق حرفه‌ای از جنبه فردی هستند. به احتمال زیاد، فردی که فاقد صلاحیت‌های اخلاقی شایسته از لحاظ فردی باشد، از معیارهای اخلاق حرفه‌ای متناسبی نیز برخوردار نخواهد بود.

۲. جنبه سازمانی: عواملی مثل رهبری، مدیریت، ارتباط با همکاران، ارتباط با زیردستان و فرادستان، نظام تشویق و تنبیه، انتظارات همکاران، قوانین و مقررات و رویه‌ها، جو و فرهنگ سازمانی در این حیطه قرار می‌گیرند. بدیهی است که نامطلوب بودن عوامل مزبور، عامل تهدیدکننده اخلاق حرفه‌ای خواهد بود.

۳. جنبه محیطی: عوامل اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی و همچنین دیگر سازمان‌ها و عوامل رقابتی بین آن‌ها، از جمله عوامل تأثیرگذار بر اخلاق حرفه‌ای هستند (۱۰).

تاکنون پژوهش‌های گوناگونی در حوزه اخلاق در مدیریت به انجام رسیده است. در پژوهشی تحت عنوان «بررسی اخلاق کار در بخش دولتی و خصوصی» نتیجه زیر بدست آمد: اگر چه قوانین و نظام حقوقی پس از اجرای خصوصی سازی تغییر می‌کند، اما به دلیل آنکه تغییرها، زیربنایی نیستند، تفاوت معناداری میان اخلاق کار پرسنل خصوصی و دولتی ایجاد نمی‌شود. همچنین خصوصی سازی ابعاد مادی اخلاق کار را افزایش می‌دهد اما تأثیری بر ابعاد معنوی اخلاق کار ندارد (۱۱). در پژوهشی دیگر تحت عنوان «اخلاق حرفه‌ای در مدیریت کیفیت فراگیر» پژوهشگران بدین نتیجه رسیده اند که: اخلاق

حرفه‌ای ارتباط مستقیم با مسئولیت پذیری سازمانی دارد و این دو مؤلفه برگرفته از بعد معرفت شناسی و هستی شناسی نظریه مدیریت هستند (۱۲). در مقاله ای با عنوان «مدل یابی نقش اخلاق در موفقیت سیستم‌های مدیریت دانش» بدین نکته اشاره شد که: بین داشتن اصول اخلاقی و توسعه مدیریت دانش رابطه مثبت و معناداری وجود دارد (۱۳). همچنین در مقاله ای با عنوان «بررسی تاثیر ارزش‌های اخلاق شرکتی بر درک مدیریت سود»، ارزش‌های اخلاق شرکتی زنان در مقایسه با مردان بطور معنی داری بالاتر به دست آمد که نشان دهنده این است که زنان در ایران به ارزشهای اخلاق شرکتی پایبندتر می‌باشند (۱۴). در پژوهشی با عنوان «نقش اخلاق کاری^{۱۲} در ارتقای رفتار شهروندی سازمانی^{۱۳} در بین کارکنان دانشگاه یزد» این نتیجه حاصل شد که: بین اخلاق فردی و رفتار شهروندی سازمانی ارتباط و همبستگی وجود داشته و رعایت بیشتر اخلاق فردی منجر به رفتار شهروندی تکامل یافته تر می‌شود (۱۵). همچنین در پژوهش دیگری با عنوان «تفاوت زن و مرد در انتخاب اولویت‌های اخلاقی» از بین ۲۷۰۰ نفر زن و مرد در شهر تهران یافته‌های زیر حاصل گردید: انتخاب نیاز در زنان، بیشتر در موضوع‌های اخلاقی و در مردان، موضوع‌های مادی عینی است و عوامل اجتماعی چون شغل نیز در این انتخاب و راه‌های رفع آن موثر بوده است (۱۶).

نتایج پژوهشی دیگر نشان می‌دهد که اگر کارکنان فقط بصورت مکانیکی از رویه‌ها پیروی کنند و قصد انجام کارها را به شیوه بهتر را نداشته باشند، رفتار آنها اخلاقی نیست. مدیریت منابع انسانی در این دستورالعمل‌های رفتاری دارای نقش است، زیرا، اجرا و نظارت بر آنها بر عهده این بخش می‌باشد. مهم نیست که مدیر منابع انسانی چقدر برای عملی کردن این دستورالعمل‌ها تلاش می‌کند و رفتار کارکنان را تحت تاثیر قرار می‌دهد، اگر تجارت برای رفتارهای اخلاقی یا حتی قانونی احترامی قائل نباشد امکان مدیریت اخلاقی منابع انسانی وجود ندارد (۱۷).

همچنین در پژوهش دیگری مشخص شد که: اخلاق در تجارت امر بسیار مهمی است و مدیریت منابع انسانی پر از دغدغه‌های اخلاقی است. بررسی این مسائل و دیگر دغدغه‌های اخلاقی

احساس‌های دیگران توجه می‌کند؛ مشکلات دیگران را مشکل خود می‌داند (۲۰).

وفاداری: یعنی به وظایف خود متعهد است؛ رازدار دیگران است؛ معتمد دیگران است (۲۰).

نقدپذیری و مشارکت طلبی: دادن حق انتقاد و ارائه دیدگاه به کارکنان است. پاسخگویی در برابر انتقادات و اجتناب از مواجهه هیجانی با منتقدان جزو بایدهای اخلاقی است (۹).

قاطعیت: قاطعیت برقراری ارتباط صادقانه، صریح، همراه با احترام اصیل و متقابل و خودمختاری (برد - برد) است. افراد قاطع نسبت به افکار و احساس‌های دیگران حساسیت نشان می‌دهند و قادرند علاوه بر دیدگاه‌ها، شنونده احساسات دیگران نیز باشند. در عین حال قادرند؛ افکار و احساسات خود را نیز به وضوح بیان کنند (۹).

اعتماد: اعتماد یعنی اطمینان از اینکه طرف مقابل در روابطش با شما، قصد ضربه زدن ندارد و داشتن نوعی باور و اتکا (۱۳).

برخورد صادقانه و صریح با کارکنان: مراد از برخورد صادقانه و صریح سازمان با کارکنان آن است که در همه شئون حرفه از شرح وظایف تا نظام‌های جامع پرداخت باید شفافیت، بیان دقیق و کامل را حاکم ساخت. هرگونه ابهام، دو پهلوئی در بیان، سیال بودن ضوابط، زمینه را برای فریب و پامال کردن حقوق آماده می‌کند (۹).

مقصود از مدیریت منابع انسانی، سیاست‌ها و اقدامات مورد نیاز برای اجرای بخشی از وظیفه مدیریت است که با جنبه‌هایی از فعالیت کارکنان بستگی دارد (۲۲). این حوزه دارای وظایفی تخصصی است که نقش مهمی در موفقیت نهایی سازمان دارد (۲۳). اهم وظایف مدیریت منابع انسانی عبارتند از: جذب، استخدام و بکارگیری نیروی انسانی، جبران خدمات، ارزیابی عملکرد، آموزش، انضباط و تأمین بهداشت شغلی. مروری بر اصول اخلاقی فوق و وظایف و وظایف مدیریت منابع انسانی در سازمان حاکی از آن است که ارتباط نزدیکی بین وظایف و کارکردهای مدیریت منابع انسانی و اصول اخلاقی وجود دارد به گونه‌ای که یک مدیر هنگام انجام وظایف خود در حوزه منابع انسانی و تصمیم‌گیری در این حوزه، بطور مستمر با چالش‌های اخلاقی و نحوه گذر از آنها دست و پنجه نرم می‌کند. بنابراین،

مدیریت منابع انسانی به مدیران کمک می‌کند که عملکرد اخلاقی را از غیراخلاقی تشخیص دهند (۱۸).

در نهایت، بر این نکته تأکید شده است که آگاهی اخلاقی هم برای پژوهشگران و هم شاغلین در مدیریت منابع انسانی جایگاهی پر اهمیت دارد. اگرچه بحث اخلاقی بودن یا نبودن مدیران منابع انسانی هم چنان پابرجاست، با این حال برخی چارچوب‌های اخلاقی را می‌توان در ابعاد مختلف مدیریت اعمال کرد. اگر بپذیریم که چارچوب‌ها و اصول قابل اجرا هستند، مسئله بعدی نحوه اجرای آنهاست. این مسئله اقدام‌هایی در سه سطح می‌طلبد: آموزش آکادمیک، پژوهش آکادمیک و اقدام‌های حرفه‌ای منابع انسانی (۱۹).

مهمترین اصول اخلاقی زیربنایی مورد نظر پژوهش حاضر عبارتند از:

وجدان: در سرشت و فطرت انسان دستوراتی است که به نتایج کار توجه ندارد و می‌گوید خواه برای تو مفید بوده یا لذت آور باشد یا نباشد، خوشی به دنبال بیاورد یا رنج، آن را انجام بده (۱۳).

مسئولیت‌پذیری: یعنی قابلیت پذیرش، پاسخگویی و یا به عهده گرفتن کاری که از کسی درخواست می‌شود (۱۳).

تعهد: یعنی وظیفه یا ضمانتی در مقابل کسی یا برای انجام چیزی. برای نمونه: در زمان مناسب اطلاعات درست را در اختیار فرد مناسب قرار دهیم (۱۳).

صادق بودن: یعنی مخالف ریاکاری و دورویی است؛ به ندای وجدان خود گوش فرا می‌دهد؛ در همه حال به شرافتمندی توجه می‌کند؛ شجاع و با شهامت است (۲۰).

احترام به دیگران: یعنی فرد به حقوق دیگران احترام می‌گذارد؛ به نظر دیگران احترام می‌گذارد؛ خوش‌قول و وقت‌شناس است؛ به دیگران حق تصمیم‌گیری می‌دهد؛ تنها منافع خود را در نظر نمی‌گیرد (۲۰).

عدالت و انصاف: منظور از انصاف همه را به یک چشم نگاه کردن است و از بین بردن زمینه شبهه در رابطه با تبعیض و مدارا کردن با آنان می‌باشد (۲۱).

همدردی با دیگران: یعنی فرد دلسوز و رحیم است؛ در مشکلات دیگران شریک می‌شود و از آنان حمایت می‌کند؛ به

۵/۷ درصد بین ۱۶ تا ۲۰ سال و ۱۰ درصد پاسخ دهندگان دارای سابقه خدمت ۲۱ سال به بالا بوده اند.

جهت گردآوری داده‌ها از پرسشنامه پژوهشگر ساخته استفاده شده است. پرسشنامه در ۸ بخش براساس ۸ حوزه کاری اصلی مدیران منابع انسانی طراحی شد. جهت تامین روایی پرسشنامه پس از استخراج گویه‌ها از مبانی نظری، از نظر اساتید دانشگاه استفاده شد. همچنین با استفاده از روش تحلیل عاملی اکتشافی، توان پیش‌بینی پرسشنامه برابر ۶۹/۱٪ برآورد شد که مقدار قابل قبولی محسوب می‌شود. جهت برآورد پایایی از روش آلفای کرونباخ استفاده شد. بر اساس این روش، مقدار آلفای کرونباخ کل پرسشنامه برابر ۰/۹۷۴ برآورد شد. در انتها، داده‌های جمع‌آوری شده توسط روش‌های آمار توصیفی و استنباطی: تحلیل عاملی اکتشافی، آزمون فریدمن، آزمون تی، و با استفاده از نرم افزار SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته‌ها

نتایج تحلیل داده‌ها با استفاده از آزمون تی تک نمونه‌ای نشان داد که میانگین کلیه پاسخ‌ها به گویه‌های پرسشنامه بالاتر از ۳ می‌باشد. این بدان معنی است که از نظر پاسخ دهندگان و با توجه به طیف پاسخ‌گویی، هر گویه می‌تواند به عنوان مؤلفه اخلاق حرفه ای مدیران منابع انسانی مورد توجه قرار گیرد. بر اساس نتایج آزمون فریدمن ادعای یکسان بودن رتبه گویه‌های پرسشنامه رد شد و مشخص گردید که همه گویه‌ها دارای رتبه می‌باشند. نتایج آزمون‌های تی و فریدمن روی هم‌رفته بدین معناست که همه ۷۳ گویه یا شاخص اخلاق حرفه ای در حوزه‌های جذب، استخدام و بکارگیری (۲۱ شاخص)، جبران خدمات (۸ شاخص)، ارتقاء و پیشرفت شغلی (۸ شاخص)، ارزیابی و مدیریت عملکرد (۱۰ شاخص)، آموزش و توانمندسازی (۸ شاخص)، بهداشت و امنیت شغلی (۵ شاخص)، بیمه و بازنشستگی (۵ شاخص) و انضباط و اصلاح رفتار (۸ شاخص) می‌توانند به عنوان مؤلفه اخلاق حرفه ای مدیران منابع انسانی مطرح گردند. به منظور کاهش شاخص‌ها از آزمون تحلیل عاملی اکتشافی در هر یک از حوزه‌های ۸ گانه مورد نظر به طور

در مقاله حاضر هدف بر آن است تا مؤلفه‌های اصول اخلاق حرفه ای مدیران در حوزه مدیریت منابع انسانی از دیدگاه خبرگان این حوزه بر اساس رویکردی علمی استخراج و معرفی گردد. این اصول اخلاقی می‌تواند در حوزه‌هایی چون گزینش و انتخاب مدیران منابع انسانی، ارتقاء، ارزیابی عملکرد و آموزش و توانمندسازی آنها مورد بهره برداری قرار گیرد.

روش

روش پژوهش حاضر توصیفی از نوع پیمایشی (میدانی) است. جامعه مورد بررسی در این پژوهش شامل؛ مدیران منابع انسانی شاغل در موسسه‌های دولتی و خصوصی، مدرسان رشته مدیریت دولتی، گرایش مدیریت نیروی انسانی در پایه‌های کارشناسی ارشد و دکتری و فارغ التحصیلان پایه دکتری در این رشته می‌باشند. نمونه پژوهش شامل؛ ۷۰ نفر از مدیران و خبرگان منابع انسانی در سازمان‌های دولتی و خصوصی بودند. از روش نمونه گیری معرف جهت شناسایی افراد خبره استفاده شد. بدین معنی که از هر فرد خبره خواسته شد تا سایر خبرگان موجود در حوزه موضوع مورد بررسی را معرفی نماید. گروه نمونه از نظر جنسیت ۷۴/۳ درصد مرد و ۲۵/۷ درصد زن بوده اند. ترکیب نمونه پاسخ دهندگان از نظر سن نشان داد که ۵/۷ درصد پاسخ دهندگان بین ۲۰ تا ۳۰ سال، ۵۵/۷ درصد بین ۳۱ تا ۴۰ سال، ۲۸/۶ درصد پاسخ دهندگان ۴۱ تا ۵۰ سال و ۱۰ درصد پاسخ دهندگان ۵۱ سال به بالا سن داشتند. از نظر میزان تحصیلات، ۲/۹ درصد پاسخ دهندگان دارای مدرک تحصیلی کاردانی، ۵۴/۳ درصد پاسخ دهندگان دارای مدرک کارشناسی، ۱۹/۹ درصد پاسخ دهندگان دارای مدرک کارشناسی ارشد و ۲۲/۹ درصد پاسخ دهندگان دارای مدرک دکترا بوده اند. رشته تحصیلی ۵۲/۸ درصد پاسخ دهندگان، رشته مدیریت و شاخه‌های آن و مابقی در سایر رشته‌ها معادل ۴۷/۲ درصد بوده است. محل خدمت ۵۷/۱ درصد پاسخ دهندگان بخش خصوصی و ۴۲/۹ درصد بخش دولتی بوده است. یافته‌ها نشان داد ۳۱/۴ درصد پاسخ دهندگان دارای سابقه خدمت بین ۱ تا ۵ سال، ۴۳/۳ درصد بین ۶ تا ۱۰ سال، ۱۸/۶ درصد بین ۱۱ تا ۱۵ سال،

۷۵/۲۳ درصد از تغییر پذیری متغیر و در حوزه انضباط و اصلاح رفتار یک عامل به عنوان عامل و مؤلفه اصلی شناسایی شد که این عامل می‌تواند ۶۹/۸ درصد از تغییر پذیری (واریانس) متغیر مورد بررسی را تبیین کند. ۱۶ مؤلفه بعنوان مؤلفه‌های اخلاق حرفه ای مدیران منابع انسانی در حوزه‌های ۸ گانه فعالیت در جدول ۱ ارائه شده است.

جدول ۱: مؤلفه‌های اخلاق حرفه ای مدیران منابع انسانی در حوزه‌های ۸ گانه فعالیت

مؤلفه‌های اخلاقی شناسایی شده در هر حوزه	حوزه‌های کاری مدیران منابع انسانی
۱. رعایت حقوق و کرامت انسانی و حفظ امانتداری درباره متقاضیان استخدام.	حوزه جذب، استخدام و بکارگیری
۲. رعایت عدالت و بی طرفی و اصل امانتداری در خصوص گزینش متقاضیان استخدام.	
۳. رعایت صداقت و تعهد در اطلاع رسانی درست به متقاضیان استخدام.	
۴. رعایت حقوق متقابل و عدالت در انتخاب شغل برای متقاضیان استخدام.	
۵. رعایت قاطعیت و صراحت در بیان دلایل به ردشدگان.	
۶. رعایت عدالت در سن متقاضیان استخدام (پرهیز از بکارگیری افراد دارای صغر سنی).	حوزه جبران خدمات
۱. جبران خدمات عادلانه	
۱. رعایت اصل شایستگی و عدم رابطه گرایی در ارتقاء کارکنان و صراحت در اطلاع رسانی درست به آنها.	حوزه ارتقاء و پیشرفت شغلی و سازمانی
۲. رعایت عدالت در ارتقاء کارکنان.	
۱. رعایت عدالت و حقوق کارکنان در ارزیابی عملکرد آنها و صداقت در بیان نتایج ارزیابی و رعایت شئون انسانی در بهبود عملکرد آنها.	حوزه ارزیابی و مدیریت عملکرد
۲. رعایت قاطعیت و صداقت در انتقال	

مستقل استفاده شد. هدف از این کار نیز دستیابی به مؤلفه‌های اخلاق حرفه ای در کلیه حوزه‌های مدیریت منابع انسانی بوده است. در تحلیل عاملی اکتشافی، پژوهشگر دسته بندی و چارچوب اولیه مشخصی مدنظر ندارد بلکه بر آن است تا با توجه به گروه بندی انجام شده توسط تحلیل عاملی و بر اساس چارچوب نظری، به این دسته بندی دست یابد. این قاعده از سوی پژوهشگران در درون هر یک از ابعاد ۸ گانه رعایت شد. همچنین، با توجه به اینکه در این پژوهش، از نظر خبرگان جهت شناسایی مؤلفه‌های اخلاق حرفه ای بهره برداری گردید و دستیابی به تعداد زیاد افرادی خبره در آن حد که بتوان تحلیل عاملی را در خصوص کل پرسشنامه به اجرا درآورد میسر نمی باشد، تحلیل عاملی در درون هر یک از بخش‌های ۸ گانه انجام شد. باتوجه به نتایج آزمون بارتلت و شاخص KMO (میانگین واریانس استخراج شده) در هر یک از حوزه‌های ۸ گانه، مشخص گردید که همبستگی موجود میان داده‌ها برای تحلیل آنها در هر یک از حوزه‌های منابع انسانی مناسب بوده و در واقع تعداد نمونه (تعداد پاسخ دهندگان) برای تحلیل عاملی در هر یک از حوزه‌های کاری مدیران منابع انسانی کافی است. از سوی دیگر برای اطمینان از مناسب بودن داده‌ها برای تحلیل عاملی مشخص گردید که آزمون تحلیل عاملی داده‌ها در کلیه حوزه‌های کاری مدیران منابع انسانی با جامعه مورد نظر خود معنادار بوده است.

با توجه به نتیجه تحلیل عاملی در حوزه جذب، استخدام و بکارگیری، شش عامل به عنوان عامل‌ها و مؤلفه‌های اصلی شناسایی شدند. این شش عامل می‌توانند ۶۷/۸۱ درصد از تغییر پذیری (واریانس) متغیر مورد بررسی را توضیح دهند. در حوزه جبران خدمات یک عامل به عنوان عامل و مؤلفه اصلی با تبیین ۶۲/۴ درصد از تغییر پذیری، در حوزه ارتقاء و پیشرفت شغلی دو عامل با تبیین ۶۸/۶۵ درصد از تغییر پذیری متغیر، در حوزه ارزیابی و مدیریت عملکرد دو عامل با تبیین ۷۱/۱۸ درصد از واریانس متغیر مورد بررسی، در حوزه آموزش و توانمندسازی یک عامل با تبیین ۶۳/۹ درصد از تغییر پذیری متغیر، در حوزه بهداشت و امنیت شغلی دو عامل با تبیین ۷۸/۷۳ درصد از واریانس متغیر، در حوزه بیمه و بازنشستگی یک عامل با تبیین

افزایش نظارت و کنترل که گستره‌ای از اقدام‌ها، از بهره‌گیری از آزمون‌های روان‌شناختی تا اعمال نظارت الکترونیکی بر کار با بهره‌گیری از فناوری اطلاعات و ارتباطات، را در بر می‌گیرد.

مقررات زدایی که ناشی از آزاد سازی بازار به خاطر فشارهای جهانی شدن می‌باشد. این فشارها گاه منابع انسانی را وادار به مصالحه و مصلحت‌اندیشی در تعریف و تعیین اقدامات مناسب و درست می‌نماید.

کاهش صداقت مدیریت که منجر به توسل متخصصان منابع انسانی به نیرنگ، فریب و توجیه اقدامات می‌گردد (۲۶).

مروری بر مؤلفه‌های اخلاقی شناسایی شده در پژوهش حاضر نشان می‌دهد که؛ مدیران در حوزه جذب و استخدام نیروی انسانی با بیشترین ملاحظه‌های اخلاقی مواجه می‌باشند.

رعایت حقوق و کرامت انسانی و حفظ امانتداری درباره متقاضیان استخدام، رعایت عدالت و بی طرفی و اصل امانتداری درخصوص گزینش متقاضیان استخدام، رعایت صداقت و تعهد در اطلاع رسانی درست به متقاضیان استخدام، رعایت حقوق متقابل و عدالت در انتخاب شغل برای متقاضیان استخدام، رعایت قاطعیت و صراحت در بیان دلایل به ردشدگان و رعایت عدالت در سن متقاضیان استخدام (پرهیز از بکارگیری افراد دارای صغر سنی) مهمترین این ملاحظه‌ها هستند. در سایر حوزه‌ها نیز رعایت صداقت و عدالت و انسانیت بسیار پررنگ است. جبران عادلانه خدمات کارکنان، رعایت اصل شایستگی و عدم رابطه گرایی در ارتقاء کارکنان و صراحت در اطلاع‌رسانی درست به آنها، رعایت عدالت در ارتقاء کارکنان، رعایت عدالت و حقوق کارکنان در ارزیابی عملکرد آنها و صداقت در بیان نتایج ارزیابی و رعایت شئون انسانی در بهبود عملکرد آنها، رعایت قاطعیت و صداقت در انتقال اطلاعات مربوط به عملکرد کارکنان، حفظ حقوق کارکنان در ارائه آموزش به آنها و رعایت صداقت و امانتداری در بیان نتایج آموزش، رعایت عدالت و انجام تعهد نسبت به اجرای بهداشت حرفه‌ای مشاغل و جبران آسیب‌های شغلی، تعهد در جهت کاهش آسیب‌های شغلی، رعایت شئون انسانی نسبت به بازنشستگان و هم‌دردی با آنها و مواجهه صادقانه و عادلانه با کارکنان در جهت اصلاح رفتار

اطلاعات مربوط به عملکرد کارکنان.

حوزه آموزش و توانمندسازی
۱. حفظ حقوق کارکنان در ارائه آموزش به آنها و رعایت صداقت و امانتداری در بیان نتایج آموزش.

حوزه بهداشت و امنیت شغلی
۱. رعایت عدالت و انجام تعهد نسبت به اجرای بهداشت حرفه‌ای مشاغل و جبران آسیب‌های شغلی.
۲. تعهد در جهت کاهش آسیب‌های شغلی.

حوزه بیمه و بازنشستگی
۱. رعایت شئون انسانی نسبت به بازنشستگان و هم‌دردی با آنها.

حوزه انضباط و اصلاح رفتار
۱. مواجهه صادقانه و عادلانه با کارکنان در جهت اصلاح رفتار آنها با حفظ شئون انسانی.

بحث

اینکه جایگاه و اهمیت مسائل و موضوع‌های اخلاقی در مدیریت منابع انسانی کجاست، مورد توجه اندیشمندان مختلف قرار گرفته است. صاحب‌نظری معتقد است که؛ کلیه فعالیت‌های مدیریت منابع انسانی دارای یک زیربنای اخلاقی است. از نظر وی، مدیریت منابع انسانی با پیامدهای عینی و عملی رفتارهای انسانی سرو کار دارد، از این رو، آمیخته با مسائل اخلاقی است (۲۴). در مقابل، صاحب‌نظر دیگری مدعی است که تمام مفاهیم مدیریت منابع انسانی عاری از اخلاقیات است (۲۵).

نویسندگان مقاله بر این اعتقادند که؛ مدیریت منابع انسانی در سازمان، به‌طور کامل آمیخته با دغدغه‌ها و مسائل اخلاقی بوده و نمی‌توان مدیریت منابع انسانی را عاری از اخلاق و مسائل اخلاقی تصور کرد. بعضی از پژوهشگران به تشریح برخی از عوامل به‌وجود آورنده ملاحظات اخلاقی در حوزه منابع انسانی پرداخته‌اند. این عوامل عبارت‌اند از:

افزایش عدم امنیت شغلی که ناشی از حرکت به سمت الگوهای کاری منعطف، شرایط استخدامی موقت و کوتاه مدت، ترس از دست دادن شغل به خاطر برون سپاری امور، افزایش استرس و عمیق شدن نابرابری قدرت بین مدیریت و نیروی کار می‌باشد.

مدیریت ارشد در مسائل اخلاقی، پایش محیط و ایفای مسئولیت‌های اجتماعی سازمان می‌داند (۳۰).

دیگر صاحب‌نظران نیز از سه استاندارد اخلاقی برای مدیریت منابع انسانی یاد می‌کنند. این سه اصل عبارتند از: معرفی هدف سازمان و تسهیل وصول آن، اعاده حیثیت کسانی که از اقدام‌های سازمان لطمه دیده اند، و بالا بردن میزان حساسیت و توجه آن دسته از کارکنانی که مبادرت به انجام وظایفی می‌نمایند که با مسائل اخلاقی آمیخته و همراه است (۳۱).

نشریه ترندواچر به بحث و بررسی نقش منابع انسانی در بالا بردن سطح اخلاق پرداخته است و معتقد است این امر یکی از نقش‌های مهم یک رهبر استراتژیک به شمار می‌رود. نتایج پژوهش‌ها نشان می‌دهد فضای اخلاقی کسب و کار به شدت تحت تاثیر اقدامات مدیریت، فرهنگ سازمان و برنامه‌های شرکت‌ها قرار گرفته است. بر اساس این یافته‌ها، نقش منابع انسانی در ایجاد یک محیط طرفدار اخلاقیات در سازمان، بسیار گسترده و وسیع خواهد بود. در این خصوص، منابع انسانی مسئولیت‌های زیر را بر عهده خواهد داشت:

متخصصان منابع انسانی باید اطمینان حاصل نمایند که اخلاق یکی از اولویت‌های اساسی سازمان به شمار می‌رود. منابع انسانی باید مطمئن گردد که در فرایندهای پرورش و انتخاب مدیریت به اخلاق توجه می‌شود.

منابع انسانی باید مسائل اخلاقی نوظهور را بشناسد و از آنها عقب نیفتد.

منابع انسانی باید مطمئن شود که سیاست‌ها و برنامه‌های درستی در سازمان در حال اجراست (۳۲).

به مسئولیت‌های فوق می‌توان مسئولیت «معرفی و توجه به ارزش‌های اخلاقی در سازمان» را افزود. توجه به ارزش‌های اخلاقی می‌تواند منجر به بروز رفتار اخلاقی در سازمان گردد (۳۳). در جهان امروز به دلیل گسترش روز افزون تکنولوژی، برقراری وسیع ارتباطات در محیط مجازی و عدم توجه به ابعاد معنوی و روحی انسان، بسیاری از اصول اخلاقی در میان کارکنان سازمان‌ها مورد غفلت واقع شده است. عدم توجه به ضوابط اخلاقی از سوی مدیران منابع انسانی در سازمان‌ها باعث

آنها با حفظ شئون انسانی همگی از جمله ملاحظاتی است که باید مورد توجه قرار گیرد.

برخی محققان در مطالعه‌ای که روی هزار نفر از مدیران آمریکایی انجام دادند، مهمترین حوزه‌ها در مدیریت منابع انسانی که نگرانی‌های اخلاقی را رقم می‌زنند، شناسایی کردند. این حوزه‌ها عبارتند از: تعصب در استخدام، آموزش و ارتقاء، سوء استفاده‌های جنسی، معیارهای انضباطی ناپایدار، افشای اسرار، تبعیض‌های جنسیتی در ارتقاءها و پرداخت‌ها و بهره‌گیری از شاخص‌های غیرمرتبط با عملکرد در ارزیابی‌های انجام شده (۲۷). بخشی از یافته‌های آنان در حوزه مسائل انضباطی، استخدام، آموزش و افشای اسرار با یافته‌های پژوهش حاضر همخوانی دارد. اما به نظر می‌رسد برخی دیگر از یافته‌های ایشان مانند: سوء استفاده‌های جنسی، خاص جوامع غربی بوده و در کشور ما چندان مطرح نمی‌باشد.

حال، این سؤال اساسی مطرح است که چه کسی باید مسئولیت مسائل اخلاقی را در سازمان بر عهده داشته باشد و آنرا مدیریت نماید؟ برخی صاحب‌نظران معتقدند که اخلاق باید بخشی از فرهنگ سازمان باشد. طراحی یک سازمان اخلاقی نیازمند تجزیه و تحلیل نظام‌مند تمام ابعاد فرهنگ سازمانی و همراستا سازی آنهاست به گونه‌ای که رفتار اخلاقی مورد حمایت قرار گرفته و رفتارهای غیراخلاقی سرکوب گردد (۲۸). مدیریت فرهنگ سازمان بر عهده مدیر منابع انسانی به‌طور ویژه و مدیر ارشد سازمان بطور کلی است. از این رو، این دو می‌توانند با اتخاذ معیارها و شاخص‌های اخلاقی در فرایندهای جذب، گزینش و استخدام، ارتقاءهای شغلی، ارزیابی و مدیریت عملکرد، آموزش، جبران خدمات و توجه ویژه به کارکنان و مدیران اخلاق‌گرا در حوزه‌های یاد شده به شکل‌گیری و نهادینه سازی یک فرهنگ سازمانی^{۱۴} اخلاق‌گرا در سازمان کمک شایانی نمایند.

بسیاری از شرکت‌های برتر آمریکایی که نام آنها در مجله فورچون ۱۰۰ آورده می‌شود ضرورت پرداختن به مسائل اخلاقی در سازمان را با انتصاب مدیر اخلاق^{۱۵} درک کرده اند (۲۹). پژوهشگران وظایف شغلی مدیر اخلاق را شامل آموزش اخلاق، کسب اطمینان نسبت به پیروی از اصول اخلاقی، مشاوره به

3. Eternal Low	قانون جاویدان
4. Utilitarian Theory	نظریهٔ منفعت گرایی
5. Universalist Theory	نظریهٔ وظیفه گرایی
6. Distributive Justice	عدالت توزیعی
7. Personal Liberty	آزادی فردی
8. Professional Ethics	اخلاق حرفه ای
9. Profession	حرفه
10. Work	کار
11. Job	شغل
12. Work Ethics	اخلاق کار
	رفتار شهروندی سازمانی
13. Organization Citizenship Behavior	فرهنگ سازمانی
14. Organization culture	
15. Ethics officer	اخلاق حرفه ای

بروز بسیاری از مشکلات موجود در سیستم‌های اداری از قبیل اختلاس، کلاهبرداری، غیبت، ارتشاء و... شده است.

به طور ویژه، هنگامی که اصول یا ارزش‌های اخلاقی به طور گسترده‌ای میان کارمندان سازمان رایج شود و مدیریت بر منابع انسانی با رعایت اصول اخلاقی صورت پذیرد، موفقیت سازمانی افزایش خواهد یافت (۳۴).

در کنار معرفی ارزش‌ها، باید به تحلیل درست مسائل اخلاقی پرداخته شود. صاحب‌نظران معتقدند که تجزیه و تحلیل مسائل اخلاقی در مدیریت منابع انسانی هم مهم است و هم مشروع و موجه. آنها با رد نظریهٔ نسبیت گرایی اخلاقی، از جست‌وجو برای شناسایی اصول جهان شمول اخلاقی دفاع می‌کنند (۳۵).

با توجه به قرابت و تشابه بسیار بالای وظایف مدیریت منابع انسانی در سازمان‌های مختلف دولتی و خصوصی اقصی نقاط جهان، نویسندگان مقاله نیز معتقدند که می‌توان در پی اصول اخلاقی جهان شمول برای مدیریت منابع انسانی در سازمان‌ها برآمد. در این راستا، یافته‌های پژوهش حاضر می‌تواند به‌عنوان نقطه آغازین این تلاش و جست‌وجو مورد توجه جدی قرار گیرد.

نتیجه گیری

با توجه به نتایج پژوهش حاضر و با توجه به این امر که؛ مدیریت مسائل مختلف منابع انسانی سازمان یکی از وظایف اساسی مدیران حوزه‌های مختلف است، می‌توان نتیجه گرفت که: رعایت اخلاق نقش مهمی در موفقیت مدیران ایفا می‌نماید به گونه‌ای که اصول رایج شناخته شده در حوزه اخلاق حرفه‌ای، در وظایف مختلف مدیران در قبال منابع انسانی سازمان نمود پررنگی می‌یابد.

واژه‌نامه

1. Ethics	اخلاق
2. Ethikos	اقتدار، رسوم، سنت

منابع

۱. گودرزی علی محمد. (۱۳۸۴). مرام نامه اخلاق حرفه ای مدیران توسعه منابع انسانی. تهران: ویژه‌نامه دومین کنفرانس توسعه منابع انسانی. ص. ۱۵.
۲. سلطانی مرتضی. (۱۳۸۲). مدیریت اخلاق در سازمان. ماهنامه تدبیر؛ (۱۳۲): ۳۴.
۳. مقیمی سید محمد، رمضان مجید. (۱۳۹۰). روانشناسی سازمانی. جلد اول. چاپ اول. تهران: انتشارات راه دان. ص. ۱۸۹ - ۱۹۱.
۴. لاوتن آلن. (۲۰۰۰). مدیریت اخلاقی در خدمات دولتی. ربیعی مندرجین محمد رضا، گیوریان حسن. (۱۳۸۴). تهران: انتشارات آگاه. ص. ۵-۷۴.
۵. پوریا نسب امیر. (۱۳۷۹). اصول اخلاق حرفه ای. ماهنامه حسابداری؛ (۱۳۷): ۲۰.
۶. قراملکی احد فرامرزی. (۱۳۸۹). درآمدی بر اخلاق حرفه ای. چاپ سوم. تهران: انتشارات سرآمد. ص. ۱۱۲ - ۱۸۶.
۷. قراملکی احد فرامرزی. (۱۳۸۸). اخلاق سازمانی. چاپ اول. تهران: انتشارات سرآمد. ص. ۳۱.

۸. هس مر ال تی. (۱۹۹۹). اخلاق در مدیریت. اعرابی محمد، ایزدی داود. (۱۳۸۲). تهران: انتشارات دفتر پژوهش‌های فرهنگی. ص. ۱۲۰.
۹. قراملکی احد فرامرز. (۱۳۸۵). سازمانهای اخلاقی در کسب و کار. چاپ اول. تهران: انتشارات مجنون. ص. ۱۱۵-۲۶۸.
10. Zions T. (2006). Professional Standards of Educational Manageres. Their Importance and Ease of Implementation. Available at: www.Proquest.com. Accessed : may 2013.
۱۱. کاویان بهنام. (۱۳۸۴). بررسی اخلاق کار در بخش دولتی و خصوصی. ماهنامه تدبیر؛ (۱۶۵): ۴۸.
۱۲. سرمدی محمدرضا، شالباف عذرا. (۱۳۸۶). اخلاق حرفه‌ای در مدیریت کیفیت فراگیر. فصلنامه اخلاق در علوم رفتاری؛ (۳ و ۴): ۹۹.
۱۳. رضاییان فردویی صدیقه، قاضی نوری سید سپهر. (۱۳۸۹). مدل یابی نقش اخلاق در موفقیت سیستم‌های مدیریت دانش. فصلنامه سیاست علم و فناوری؛ (۲): ۷۴-۷۷.
۱۴. اعتمادی حسین، فرزانی حجت اله، غلامی حسین آباد رضا، ناظمی اردکانی مهدی. (۱۳۸۹). بررسی تاثیر ارزشهای اخلاق شرکتی بر درک مدیریت سود. فصلنامه اخلاق در علوم و فناوری؛ (۳ و ۴): ۳۵.
۱۵. طاهری دمنه محسن، زنجیرچی سید محمود، نجاتیان قاسمیه مجید. (۱۳۹۰). نقش اخلاق کاری در ارتقای رفتار شهروندی سازمانی. فصلنامه اخلاق در علوم و فناوری؛ (۲): ۳۷.
۱۶. مکنون ثریا، عطایی آشتیانی زهره. (۱۳۹۰). تفاوت زن و مرد در انتخاب اولویتهای اخلاقی. فصلنامه اخلاق در علوم و فناوری؛ (۲): ۱.
17. Ross A. (2007). Ethics and Human Resource Management. Newyork: McGrow-Hill; 37-38.
18. Schumann PL. (2001). A Moral Principles Framework For Human Resource Management Ethics. Human Resource Management Review; 11: 109-110.
19. Winstanley D, Woodall j. (2001). The Ethical Dimension of Human Resource Management. Human Resource Management Journal; 10(2) :16-17.
۲۰. امیری علی نقی، همتی محمد، مبینی مهدی. (۱۳۸۹). اخلاق حرفه ای ضرورتی برای سازمان. نشریه معرفت اخلاقی؛ (۴): ۱۴۱-۱۴۲.
۲۱. قربانی مهدی. (۱۳۹۰). معیارهای رفتاری در مدیریت اسلامی. چاپ دوم. تهران: انتشارات قاف. ص. ۳۶.
۲۲. دسلر گری. (۲۰۰۷). مبانی مدیریت منابع انسانی. پارسائیان علی، اعرابی سید محمد. (۱۳۸۹). تهران: انتشارات دفتر پژوهش‌های فرهنگی. ص. ۳۲۷.
۲۳. سعادت اسفندیار. (۱۳۸۵). مدیریت منابع انسانی. چاپ دوم. تهران: انتشارات سمت. ص. ۱۰.
24. Johnson R.(2003). HR must embrace ethics. people management; 9(1): 56-65.
25. Hart TJ.(1993). Human resource management. time to exercise the militand tendency. employee relations; 15(3): 26-36.
26. Win SD, Woodall J. (1996). Business ethics and human resource management. Personnel review; 25(6): 5-12.
27. Danley J, Harrick E, strikland D, Sullivan G. (1991). HR ethical situations. human resource management; 26: 1-12.
28. Trevino LK, Nelson K. (2006). Managing business ethics straight talk about how to do it right. 4th ed. New York: Wiley and sons. p.152.
29. Segon M. (2011). Managing organizational ethics. professionalism, duty and HR practioners. journal of business system. governance and ethics; 5(4): 13-25.
30. Adobor H. (2006). exploring the role performance of corporate ethics officers. journal of business ethics; (69): 57-75.
31. Pinnington AH, Macklin R, Campbel T. (2008). Human resource management: ethics and employment. Oxford: Oxford university press. p. 239-240.
32. Williams R, Arlene R. (2005). ethics HR and the importance of ombuds programs. Human capital strategies ;(288): 1-11.
۳۳. بهادری فر علی، جواهری کامل مهدی، احمدی سیدعلی اکبر. (۱۳۹۰). رفتار اخلاقی و رفتار شهروندی سازمانی، تاثیر

ارزش‌های اخلاقی، عدالت و تعهد سازمانی. پژوهش‌های مدیریت منابع سازمانی؛ (۱) ۲۳-۴۲.

۳۴. زینلی سینا، صفرنیا حسن، اکبری صادق. (۱۳۹۱). اخلاق حرفه‌ای و نقش ضوابط اخلاقی در مدیریت منابع انسانی. تهران: هشتمین کنفرانس توسعه منابع انسانی مرکز مطالعات بهره‌وری و منابع انسانی.